



سه شنبه ۳۱ اکتوبر 2023

حمید انوری

"بصیر" بی بصر کیست!؟

قسمت اول

بعد از مدت های مدید، عاقبت یک نوشته مستند، مستدل، مفصل و قابل درنگ در سایت "فخیم" افغان – جرمن آنلاین توجه این کمترین را به خود جلب کرد، آنرا با دقت مطالعه کردم و به قلم و احساس نویسنده، احسنت گفتم. قبل از اینکه در مورد آن نوشته پراحساس و حاوی حقایق غیر قابل انکار، بپردازم، لازم می افتد تا لینک مضمون مورد نظر را خدمت هموطنان اینجا بیاورم تا آنانی که به وطن و وطندار و سرنوشت تلخ و خونبار هوطنان خود می اندیشند، آن نوشته پربار را با دقت مطالعه نمایند:

[آقای بصیر دهزاد جرایم ضد بشریت صرف در یک مرحله؟](#)

همین عنوان نوشته فوق، خود یک دنیا سخن و یک دنیا درد دل دارد و یک دنیا پرسش.

بلی هموطنان! خانم ها، آقایان! تمام خلقی ها و پرچمی ها، بلااستثنی، افراد شرور و بی چشم و رو و دیده در هستند و این "بصیر" بی بصر، خلاف نام خود، یک فرد شرف باخته است که با دو چشم بینا، خود را به کوری زده است و مانند اسپ گادی فقط مقابل خود را می بیند و از دیدن چهار طرف خود، خود را خودش محروم ساخته است و همه چیز را سیاه و سفید می بیند. او در زمره این نسل نمک حرام، همیشه بیهوده تلاش میکند تا گویا با لباس و دریشی و نکثائی و بوت و...، به چشم مردم درآید. سیاه را سفید جلوه دهد و به گمان خام خود، تعدادی از جوانان افغان را به بیراهه سوق دهد، اما خوشبختانه هموطنان شریف و نجیب و با احساس و آگاه را در کنار خود داریم که "حق" این گونه افراد فروخته شده و دیده در را کف دست شان میگذارند و روشنگری میکنند و دین مردم و میهن را با متانت تمام بجا میکنند که یکی از آنها هم همین نویسنده مضمون متذکره فوق به نام "محمد نذیر کلیدی" هستند که عمر مبارک شان مستدام باد.

و اما این "بصیر" بی بصر که نه دهزاد است و نه شهر زاد و نه افغانستان زاد و شاید هم روس زاد بوده باشد و اگر سلسله اجدادی او دنبال شود، حتماً به کدام روسی یا پاردریائی خواهد رسید، قرار معلوم

یک فرد خودبزرگ بین، تبعیض طلب، متعصب و تنگ نظر و سخت دیده در تشریف دارد که همیشه تلاش داشته است و میدارد هنوز که آفتاب را با دو انگشت کثیف و خونین خود پنهان ساز که کاریست عبث و بیهوده و تخیل کودکانه است که راه به ترکستان دارد و خواب است و خیال است و محال است و جنون.

این کمترین هیچ هموطنی را به خواندن چرندیات این بی بصر توصیه نمی کنم، چون باعث ضیاع وقت و خرابی اعصاب می شود.

این بصیر بی بصر یا کور مادرزاد گویا "معاون انجمن سراسری حقوقدانان افغانستان(در اروپا)" نیز است، انجمن یک مشت زبردان گریختگی خلقی و پرچمی که اکثراً در آغوش آلمان و هالند خسپیده و گاه گاهی فیل شان یاد هندوستان میکند، چرند میگویند و جفنگ می نویسند و کنجاره به خواب می بینند.

به این جفنگیات تهوع آور و نوکر منشانه و حزبی "بصیر" بی بصر دقت کنید:

"... ببرک کارمل شخصیت پاک طینت، هدفمند، مبارز خستگی ناپذیر، ملی و تجددگرا..." راه پرچم 9 دسامبر 2020- به خاطر 19 همین سالگرد وفات ببرک

گمان کنم همین نیم سطر کافی باشد تا به ماهیت پست و پلید این فرد مالیخولیا، تبعیض طلب، متعصب، کور مغز و خودفروخته پی برد و بر نوشته هموطن با احساس ما محترم "محمد نذیر کلیدی" مهر صحنه گذاشت و بر هر جفنگ که این بی بصارت گفته و نوشته است، خط بطلان کشید و به قلم و احساس و درایت "محمد نذیر کلیدی" باربار درود فرستاد و آنرا ستود.

این خلقی ها و پرچمی های بی وجدان و کودن هنوز کنجاره به خواب می بینند و هیچ آرزو ندارند از خواب خرسی خود بیدار شوند و بدانند و درک کنند که در افغانستان نه تنها هرگز دیگر جای ندارند و همه مردم افغانستان از آنان سخت متنفر اند، بلکه اولاد و احفاد شان را نیز یارای قدم گذاشتن در آن سرزمین مقدس نیست که نیست.

این بصیر بی بصارت هرچند از کته های حزب منفور و منحوس خلق و پرچم به حساب نمی رفت، اما در وجدان مردگی، شرف باختگی، پستی و رزالت، تبعیض و تفرقه و تعصب، ببرک و ترک و نا امین و نا نجیب و...، را شرمانده بود. او امروز داد از عدالت و حقوق بشر میزند، درحالی که در مورد

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

بی عدالتی ها و نقض گسترده حقوق بشر در زمان اقتدار آن حزب منفور و تجاوز روسیه شوروی وقت، یک قلم سکوت نموده و همه را نادیده میگیرد.

لعنت به چنان وجدان مرده و نوکر منشی.

اندکی هم در مورد ببرک کارمل از زبان نظامیان روسی در افغانستان:

" مایوروف در مورد ببرک میگوید: " کارمل در يك شبانه روز بیش از 40 دانه سگرت میکشید و در ده دقیقه صحبت سه پیک شراب میخورد، بارها مقامات شوروی به وی پیشنهاد کردند که در اوقات رسمی کم بنوشد، مگر وی همچنان ادامه میداد. " (تاریخ مسخ نمی شود ، 105)، گروموف در بخش گزارش سری به کمیته مرکزی در صفحه 156 کتاب ارتش سرخ در افغانستان نگرانی نجیب نسبت به انجام گسیختگی کارمل را چنین بیان مینماید: "رفیق نجیب بیمناک است که انجام گسیختگی کارمل که با بیماری و افراط در نوشیدن مشروبات الکلی عمیق تر میگردد، ممکن است او را وادار به اقدامات غیر قابل پیش بینی گرداند".

گروموف در صفحه 152 کتاب "ارتش سرخ در افغانستان" تحت عنوان ببرک یاوه سرای بی نظیر به تائید گفته های جنرال وارینیکف در مورد بی کفایتی و بی شخصیتی ببرک پرداخته و نظرات خود را در مورد ببرک کارمل چنین بیان نموده است: " واقعیت امر هم همین گونه بود. کارمل نه مورد اعتماد همکاران خود بود، نه مورد اعتماد مردم و نه مورد اعتماد مستشاران ما. او یاوه سرای بی مانند و فراکسیون باز بی همتای بود که استادانه میتوانست در لابلای گفتار های انقلابی پنهان گردد. این استعداد به او کمک میکرد تا پیرامون خود هاله از يك رهبر بیافریند. هر باری پس از ارتکاب يك اشتباه دیگر، او همگان را متقاعد میگردانید که: " رفقا، دیگر همه چیز بمن روشن شد. دیگر این دیگر کاملاً روشن بود... متأسفانه... اشتباه نخواهم کرد!"

کتاب هائیکه نظامیان شوروی در مورد ببرک و نجیب و دیگر سردمداران حزب منفور "دیموکراتیک خلق" نوشته اند، مشت کوبنده بر دهان اراجیف گویان و سفسطه سرایان از جنس "بصیر" بی بصر است، اما این طائفه و این طبقه پست و پلید کجا وجدان دارند و کجا شهادت اعتراف که عمری را در خدمت سردمداران کریملین گذشتاندند و عاقبت همان روس های تجاوزگر و ددمنش، درست مانند

د پانو شمیره: له 3 تر5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

استفراغ آنان را قی کرد و حتی حاضر نشد با گند و تعفن آنان روسیه را متعفن سازد و ناچار دست به دامن "امپریالیزم غرب" بردند ولی هنوز هم دست از تفرقه اندازی و توطئه چینی و پستی و پلشتی مادرزاد خود برنداشته اند که ننگ شان باد.

ببرک حدود سی سال قبل از کودتای هفتم ثور 1357 یعنی در سال 1950 میلادی به استخدام کی جی بی در آمده بود و بر اساس نوشته های واسیلی متروخین در کتاب "کی جی بی در افغانستان" نام مستعار ببرک در کی جی بی "مارید" بوده است. شاید هم "مُرید" بوده باشد.

مایوروف بعد از ملاقاتی که با کارمل داشته برای چیریومنیخ در باره کارمل چنین میگوید: "بی جا با این یابو وقت خود را ضایع میکنیم، دیر یا زود حتی اگر اوضاع بسیار حساس هم باشد، باید عوض کنیم، ناحق این علف را بر او میخورانیم". در جای دیگری مایوروف در باره ببرک چنین به اظهار نظر پرداخته است: "در زندگی از افراد احمق، تنبل و شرابی خوشم نمی آمد و این جا تمام این صفات در وجود يك نفر جمع گردیده است"

از ببرک میرویم به سوی تره کی:

نور محمد تره کی (ترکانوف یا مادر کیک ها) تره کی برای مدت سی سال با مقامات کی - جی - بی ارتباط داشت و نام شفری وی در سازمان کی جی بی (نور) بود

تره کی از سال 1948 به بعد حدود سی سال جاسوس کی جی بی بوده، یعنی 17 سال قبل از اینکه در سال 1965 به تاسیس حزب خلق بپردازد...

محمد نبی عظیمی در صفحه 173 کتاب اردو و سیاست از او بعنوان مشروب خوار قهاری یاد مینماید و در مورد بی بند و باری و فرومایگی تره کی در فلم "دو روز پی در پی" آمده است که وی از رقصیدن دختران افغان در مقابل روسها لذت میبرده و گفته بود که از رقصیدن دختران افغان در مقابل روسها من گوشت میگیرم... جورج آرنی در صفحه 55 کتاب "افغانستان گذرگاه کشور گشایان" در مورد تره کی چنین مینویسد: "تره کی يك انسان درون گرا، تنبل و بی اراده بوده و مدت زیاد عمر خود را در میگزاری سپری کرده است."

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

از تَرَک و ببرک که بگذریم، میرسیم به نجیب نانجیب:

داکتر نجیب (پوتومک - چوچه سگ یا روباه بویناک) داکتر نجیب یکی از قسی القلب ترین و جنایتکار ترین رهبران احزاب خلق و پرچم میباید که در دوران پوهنتون به نجیب گاو شهرت داشته، اما بعدها روسها و همکاریانش از او بنام چوچه سگ و روباه بویناک یاد نموده اند. داکتر نجیب هم یکی از جاسوسان کی جی بی با نام مستعار "پوتومک" است که در هنگام تجاوز قوای شوروی با نیروهای اشغال گر اردوی سرخ یکجا با کارمل و مزدوران دیگر روسها وارد افغانستان گردیده و بسمت ریاست خاد برگزیده شده است. او در دوران کار خود در ریاست خاد که بعداً به وزارت امنیت دولتی ارتقاء میکند، به حدی در قتل و کشتار مردم افغانستان افراط میکند که تنها به امضاء و امر شخص خودش حدود 90 هزار نفر از مردم بیگناه افغانستان دستگیر، زندانی و کشته میشوند... (جنگ قدرت ، ص 364)

اگر این سلسله را ادامه دهیم، سخن به درازا میکشد و مثنوی هفتاد من کاغذ بکار دارد و عمر نوح و صبر ایوب، پس از "خیر" آن گذشته و به همین بسنده می شود که اعضای حزب منفور و متروذ خلق و پرچم بلاستنی از کته سر گرفته تا "لخک دروازه"، همه و همه از پست ترین افراد و اشخاص و از شرف باخته ترین و بی ننگ و عارترین کسانی بودند که باعث تمام بدبختی های چهل و چند سال پسین افغانستان و مردم شریف آن بودند و هستند هنوز و این "بصیر" بی بصارت نیز یکی از آنان است که از آنها نمی شود توقع بیش از این داشت. این جمع نامتجانس و این زیردار گریختگی ها همه و همه سر و ته یک کرباس اند که فقط به درد بوت پاکی میخورند و دیگر هیچ.

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ